

بررسی عوامل اجتماعی جامعه‌پذیری سیاسی مرتبط با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهر مهاباد

هزار ایور^۱
دکتر فیروز راد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۸

چکیده

تعیین رابطه بین میزان گرایش به دموکراسی و جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان هدف اصلی تحقیق مطرح شده است. متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس نظریات رابرت دال، شومپتر، هانتینگتون، هابرماس، کوهن و کیملیکا به عنوان متغیر ملاک (وابسته) مطرح شده است و متغیر جامعه‌پذیری سیاسی و عوامل اجتماعی مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، اعتماد سیاسی، قوم‌گرایی و انسجام سیاسی بر اساس نظریه‌های پارسونز، گیدنز، هانتینگتون، کیملیکا، هلد، رابرت دال و ... مطرح شده است. حجم نمونه در این تحقیق به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب از جامعه آماری دانشجویان بومی (کرد) دانشگاه‌های مهاباد برابر با ۳۵۴ نفر انجام شده است. در این تحقیق از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز بهره برده و به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ و رگرسیون ساده و ضریب همبستگی پیرسون برای اندازه‌گیری فرضیه‌های اصلی و فرعی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حکایت از تأیید فرضیه‌های اصلی تحقیق دارد که بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی رابطه معنی‌داری وجود دارد و میزان گرایش به دموکراسی و جامعه‌پذیری سیاسی در حد متوسط به بالاست. همچنین عوامل اجتماعی از جمله مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، قوم‌گرایی و انسجام سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی رابطه معنی‌داری دارند و تنها رابطه اعتماد سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی تأیید نشده است.

واژگان کلیدی: گرایش به دموکراسی، جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجویان، اعتماد سیاسی.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی؛ تبریز - ایران.

E-mail: hejar1631@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷ - ۱۹۳۹۵ تهران - ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: rad_291@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

در تاریخ ایران زمینه‌های شکل‌گیری دموکراسی با موانع سرسختی روبرو بوده است. یکی از دلایل مهم آن نبودن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این مسأله است. یکی از چالش‌های اساسی دموکراسی در جوامع چند فرهنگی مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی آن از طرف عوامل آن می‌باشد. جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن اعضای جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را به تدریج درونی می‌کنند، این امر بسیار مهم است که اعضای جامعه آن هم به طور درونی شده دموکراسی را در جامعه بپذیرند و به آن گرایش پیدا کنند. توسعه سیاسی هنگامی جنبه عینی می‌یابد که در واقعیت اجتماعی خویش واجد شرایط ویژگی‌های خاصی باشد. دموکراسی امری نیست که یک شبه و به صورت جهشی به وجود آید عواملی مانند بافت اجتماعی، چندگانگی فرهنگی و قومی سابقه تاریخی و سیاسی شکل‌گیری دموکراسی را گوناگون و متفاوت می‌سازد. دموکراسی یکی از موضوعات مهم رفتار سیاسی است موضوعی که امروزه برای رژیم‌های سیاسی از اهمیت برخوردار است اهمیت این موضوع برای رژیم‌های سیاسی از یک طرف به دلیل مد نظر قرار دادن موضوع مشارکت و گرایش‌های سیاسی برای سنجش مشروعیت یک رژیم و از سوی دیگر به منزله عاملی برای افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی است. دموکراسی در اصل واژه یونانی، از ترکیب دو کلمه «دموس» و «کراتوس» به معنی مردم «کراتوس» به معنی قدرت و حکومت ساخته شده است و معنی آن حکومت مردم یا مردم‌سالاری است (هلد، ۱۳۶۹: ۱۴). مقوله دموکراسی با برابر نهاد فارسی آن «مردم‌سالاری» قرن‌ها مورد بحث اندیشمندان سیاسی در یونان باستان و روم، و نیز در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی به ویژه در قرن بیستم و بیست و یکم بوده است. از دهه ۱۹۵۰ که به طور عمده نهضت‌های استقلال‌طلبی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا برای رهایی از نوع حکومت‌های غیر دموکراتیک و مستبد آغاز گردید، کوشش برای تأسیس نظام‌های دموکراتیک موفقیت‌آمیز نبوده است و بعضاً به دیکتاتوری انجامیده است. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن به معنای هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است و زیر شاخه آن یعنی جامعه‌پذیری سیاسی، انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر یا شکل‌گیری ایستارها و هنجارهای سیاسی فرد تعریف شده است. یکی از اهداف حکومت‌ها در عرصه سیاسی همسو کردن افراد جامعه با خط‌مشی‌های نظام سیاسی است. "جامعه‌پذیری" یا اجتماعی شدن به معنای هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی تعریف شده است (علاقه‌بند، ۱۳۸۱: ۱۰۶). بر اساس تعریف دیگر فرایندی است روانی- اجتماعی که به پایه شخصیت اساسی فردی تحت تأثیر محیط مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌گیرد (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۶۳). از این تعاریف معلوم می‌شود که جامعه‌پذیری در مفهوم عام آن دلالت بر فرایندی است که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود. اصطلاح جامعه‌پذیری سیاسی یکی از اصطلاحات مهم در علوم سیاسی و اجتماعی است که در حال حاضر استفاده آن به عنوان یک نظریه رفتاری کاربرد فراوان دارد (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۷). از دید سیگل،

جامعه‌پذیری سیاسی «یادگیری تدریجی هنجارها، نگرش‌ها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی جاری است». جامعه‌پذیری سیاسی جامعه متشکل سیاسی‌داری همان نیازهایی است که فرد برای بقای خود به آن‌ها نیاز دارد و دارای عملکرد اضافی هم هست و آن جامعه‌پذیرکردن جوانان از نظر سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی جوان‌ها از نظر سیاسی عبارت از تحصیل و اکتساب تدریجی هنجارها، گرایش‌ها و افکار مورد پذیرش القا شده مبتنی بر بنیان‌های اجتماعی معمول و بهنجار سیستم‌های فرهنگی و نهادی در چهارچوب نظام.

در ایران دستیابی به آزادی یکی از خواسته‌های مردم در یک صد سال اخیر بوده است و حرکت‌ها و جنبش‌های چندی را موجب شده است. اما چنین حرکت‌هایی همواره به علت موانع داخلی و خارجی ناکام مانده است. بهترین حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم به این ترتیب قابل ذکرند: انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۸، ظهور دولت مصدق در دهه ۱۳۳۰ و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و بالاخره انتخاب ریاست جمهوری ۱۳۷۶ (بخارایی، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۰). با این که بیش از یک قرن است اندیشه‌های دموکراسی خواهانه به ذهن ایرانیان رسوخ کرده تحکیم دموکراتیک با مشکل روبرو شده است و شاهد بازگشت یا بازتولید عناصری از اقتدارگرایی هستیم، یعنی میان نظام سیاسی ایران، اهداف، تلاش‌ها و کنش‌های سیاسی و تئوری دموکراسی ناسازگاری مشاهده می‌شود و این ناسازگاری خود موجب بروز و ظهور چنین پدیده‌هایی در اجتماع می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۲۸). با توجه به وجود شکاف در بین ساختار اجتماعی قدرت و قومیت‌ها در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران و همچنین تنازعات قومی، و جنبش‌های دموکراسی خواهانه در ایران که موجب هزینه‌های مادی و معنوی برای نظام اجتماعی شده است؛ مطالعه دموکراسی به عنوان مبنایی برای ثبات سیاسی و اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ضروری می‌نماید. با این تفاسیر ما در این تحقیق بر آنیم که بدانیم: اولاً میزان گرایش دانشجویان بومی دانشگاه‌های مهاباد به دموکراسی چه قدر است؟ ثانیاً میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان چه قدر است؟ ثالثاً آیا بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان با میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد؟

در جهان امروز مسأله همبستگی قومی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و حتی بین‌المللی یک واحد سیاسی از اهمیت راهبردی برخوردار است. با توجه به این که مقوله‌ای تحت عنوان زدایش یا یکسان‌سازی هویت‌ها از دیدگاه متعدد هم ناکارآمد و هم غیر ممکن اعلام شده است. پس یافتن رویکرد میانه که بتواند مبانی سامان‌دهی نوعی از سیاست‌گذاری اجتماعی و سیاسی باشد. بر اساس آن نگاه مبتنی بر منازعه، تهدید را تبدیل به فرصت نماید، و همبستگی اجتماعی و سیاسی را تقویت می‌نماید، ضروری است. مردم ایران هر از گاهی جنبشی را سامان می‌دهند و در نهایت دچار یأس و سرخوردگی می‌شوند و یا به وضع موجود تن می‌دهند. جامعه‌شناسان دلایل زیادی را برای تثبیت نشدن دموکراسی در ایران عنوان می‌کنند که آن را با جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ اطاعت و امریت مرتبط می‌دانند که در فرهنگ ایرانیان وجود دارد که در سطوح دیگر جامعه بازتولید می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۷۷). و بعضی دیگر از جنبه هویتی و

جریان‌های بین‌المللی را بر مسائل داخلی مهم می‌دانند. بعضی از ویژگی‌های محلی و ملی مانند احساس ناامنی فردی، بی‌اعتمادی، بدبینی، انزوای روحی، بیگانگی با امور سیاسی را مهم می‌دانند (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۷). در ایران هم با توجه به چند قومی بودن جامعه ایران و تحولات جهانی، دموکراسی در عرصه کلان سیاسی و گرایش دموکراتیک در همه زمینه‌های اجتماعی در بین افراد جامعه از ضروریات چنین جامعه‌ای است.

مبانی نظری

در دموکراسی فرض بر اینست که مردم نه به حکم ترس و اجبار، بلکه از روی رضایت از حکومت پیروی می‌کنند و ساز و کارهای برای تضمین این رضایت وجود دارد. اصالت فرد به این معنی است که انسان اصولاً موجودی خردمند به شمار می‌رود و از این رو باید در تشخیص مصلحت فردی خود در حدود نظام اجتماعی آزادی و خودمختار باشد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۰). دموکراسی به عنوان شیوه سیاسی زندگی سیاسی در جهان مدرن بر مبانی و اصولی استوار است که در طی فرایند دراز مدت مبارزه برای ایجاد حکومت دموکراتیک، تکوین یافته‌اند. جوهر این اصول و بنای را می‌توان در اصالت برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تاکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها یافت. منظور از اصالت برابری این است که در دموکراسی افراد، گروه‌ها و طبقات مردم نیست به یکدیگر از لحاظ حق حکومت کردن، برتری و امتیازی ندارند. حق حکومت برای همیشه به هیچ فرد یا گروهی واگذار نشده است و هیچ گروهی نمی‌تواند به عنوان برتری فکری یا ذاتی بر دیگران حکومت کند. مشروعیت قدرت تنها بر رضایت مردم در پیروی از حکومت مبتنی است (همان: ۱۹). پارسونز^۱ به تبیین نظری گسترش مفهوم شهروندی در دولت دموکراتیک پرداخت. اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک شهروندی و دموکراسی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می‌شود. در گذشته تفاوت‌های مبتنی بر مذهب، قومیت یا سرزمین آن قدر مهم بود که یقین می‌کرد چه کسانی عضو جامعه به شمار آیند یا از عضویت در آن به طور کلی محروم شوند (استونز، ۱۳۷۹: ۲۰). پارسونز معتقد بود اختلاف‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای را می‌توان با هدایت ملی همساز کرد و ستیزه‌های ناشی از این اختلاف‌ها را حل کرد. بدون ترس از این که جامعه بگسلد یا به جنگ خونین داخلی منجر شود (پین، ۱۳۸۳: ۵۰). دال^۲، نظریه پرداز عمده دموکراسی و از علمای سیاسی بزرگ آمریکایی، مفهوم پولیارشی^۳ را برای توصیف نظام‌های دموکراتیک معاصر و متداول، رایج ساخته است. به نظر او، دموکراسی در مفهوم آرمانی و کلاسیکش قابل تحقق نیست، بلکه تنها می‌تواند

1. Parsons

2. Dahl

3. polyarchy

برای سنجش میزان نزدیکی دموکراسی‌های موجود به وضع آرمانی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر نظریه دال درباره دموکراسی، نظریه‌ای واقع بینانه است که به ویژه متأثر از دیدگاه نخبه‌گرایان بوده است. وی در نخستین کتاب خود یعنی دیباچه‌ای بر نظریه دموکراسی، نظریه‌های اکثریتی و مشارکتی یا ایده‌آلیستی دموکراسی را مورد نقد قرار می‌دهد و در مقابل مفهوم پولیاریتی را برای توصیف دموکراسی موجود و ممکن به کار می‌برد. پولیاریتی به مفهوم تعدد نخبگان حاکم، حد مطلوب مشارکت و رقابت سیاسی را ایجاد می‌کند و از بروز استبداد جلوگیری می‌نماید. حکومت دموکراسی واقعی نه حکومت اکثریت و نه حکومت یک اقلیت، بلکه حکومت چندین اقلیت است. مبنای این برداشت از دموکراسی، نظریه‌های کثرت‌گرایی در جامعه‌شناسی است که از یک سو متأثر از سنت ماکس وبر می‌باشند که بر وجود منابع مختلف قدرت در جامعه تأکید دارد و از سوی دیگر در واکنش به نظریات نخبه‌گرایان است که بر وجود الیت قدرت واحد در جامعه تأکید دارند. هر چند می‌توان گفت که کثرت‌گرایی نیز مندرج در همان الگوی الیستی است، ولی از این جهت متفاوت است که بر تعدد گروه‌های نخبه تأکید دارد نه یک طبقه نخبه واحد (دال، ۱۳۸۹: ۱۶). کیملیکا بر این باور است که عضویت فرهنگی اهمیت بنیادینی در سعادت شخصی دارد و افراد باید در انتخاب و تلاش جهت تحقق مفهوم خویش از زندگی سعادت‌بار آزاد باشد و آن بر بنیاد وجود دموکراسی در جامعه‌ای با گوناگونی اقلیتی و فرهنگی است. کیملیکا تصریح می‌کند گونه‌ای از لیبرالیسم که وی به دفاع از آن بر می‌خیزد نه تفسیر خاصی از آن که لیبرالیسم می‌تواند به عنوان یک قانون سیاسی تجویزی در پاسخ به انتقادات مربوط به عضویت فرهنگی بگوید. مطابق لیبرالیسم از آن جا که اساسی‌ترین علاقه ما اعطای حق و عمل به این باورهاست، دولت با توجه و احترامی برابر از طریق فراهم ساختن آزادی‌ها و منابعی که برای آزمون و عمل بدان نیاز است، با مردم رفتار برابر خواهد داشت این نیاز بنیان نظریه‌های لیبرال در باب عدالت را تشکیل می‌دهد (کیملیکا، ۱۹۸۹: ۱۲). آلموند^۲ جامعه‌پذیری سیاسی را یکی از مهم‌ترین کار ویژه‌های سیستمی می‌داند که به طور مستقیم در اجرای سیاست‌های معمولی دخالتی ندارد ولی برای حفظ نظام ضروری و با اهمیت می‌داند (عالم، ۱۳۷۹: ۱۲۲). کلمن^۳ در توزیع جامعه‌پذیری سیاسی می‌نویسد: «جامعه‌پذیری ناظر به فرایندی است که افراد از طریق آن نگرش‌ها و احساساتی در قبال نظام سیاسی و نقش‌هایی که در آن دارند کسب می‌کنند». این فراگردها شامل شناخت‌ها (دانسته‌ها یا باورهای فرد در مورد نظام، موجودیت و روش کار آن)، احساسات (نحوه احساس فرد در قبال نظام، از جمله حس وفاداری و احساس تکلیف مدنی) می‌شود (کلمن، ۱۹۶۵: ۱۸). به بیانی دیگر جامعه‌پذیری سیاسی و ایستارهای فرا گرفته شده از طریق فعالیت‌های سیاسی هم‌چون وابستگی حزبی، ایدئولوژی، اعتماد، آگاهی و مانند آن می‌شود. این محتوا هم‌چنین ممکن است به سمت‌گیری در مقابل اقتدار مربوط باشد (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۵۹). جامعه‌پذیری به اعتبار قلمروهای مختلف تعلق، حضور

1. Kymlicka

2. Almond

3. Colman

و فعالیت‌های اجتماعی، گونه‌های مختلفی هم‌چون جامعه‌پذیری قومی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، شغلی، جنسی و ... دارد. یکی از مهم‌ترین این انواع جامعه‌پذیری سیاسی است که به نحوه ارتباط میان فرد با نهاد سیاست و قدرت و به بیان دیگر، به حوزه مدیریت کلان جامعه و سازمان‌های اجتماعی مربوط می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی در عین اشتراک با سایر گونه‌های جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری به معنای عام در اصطلاح جامعه‌شناختی، از جهاتی متمایز است. جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایند آشناسازی افراد با نظام سیاسی جامعه خود تعیین‌یابی نسبی ادراکات و واکنش‌های آن به پدیده‌های سیاسی است (مطهری، ۱۳۸۵: ۹۵).

پیشینه تحقیق

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان تأثیر جایگاه افراد در فضای اجتماعی بر روی گرایش آن‌ها به ارزش‌های دموکراتیک در ارتباط با جوانان ۲۹-۱۸ ساکن تهران صورت گرفته است که نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد با بالا رفتن جایگاه فرد در معنای اجتماعی گرایش به ارزش‌های دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد یعنی با بالا رفتن سن و سطح تحصیلات گرایش به ارزش‌های دموکراتیک بیشتر می‌شود.

اله‌دادی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «رابطه عوامل اجتماعی- فرهنگی و باورپذیری مردم‌سالاری» به این نتیجه رسیدند که بین جنسیت و باورپذیری مردم‌سالاری رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که باورپذیری مردم‌سالاری با ساخت خانواده، تقدیرگرایی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و اعتیاد اجتماعی رابطه مستقیم دارد.

فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها» که در شهر ساری انجام گردید، نمونه خود را مشتمل بر سه نسل انتخاب نمودند؛ نسل اول افراد ۳۳-۱۷ سال، نسل دوم افراد ۴۷-۳۴ ساله و نسل سوم افراد بالای ۴۸ سال. پژوهشگران سه ارزش دموکراتیک شامل: تساهل و مدارا، آزادی و مشارکت سیاسی را بین این سه نسل سنجیدند و به این نتایج دست یافتند که تمایل به ارزش‌های دموکراتیک در هر سه نسل زیاد است و به این لحاظ می‌توان در فرضیه ثابت ارزش‌های سیاسی نسل‌ها تردید داشت.

آذین و جهانشاهی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش رادیو و تلویزیون در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان با نمونه‌ای شامل ۳۶۰ نفر به روش پیمایشی انجام دادند به این نتایج رسیدند: بر اساس نتایج این پژوهش رادیو و تلویزیون به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه‌پذیری نقش زیادی در جامعه‌پذیری سیاسی دارند.

عبداله‌ی و دیگری (۱۳۸۵)، در پیمایشی تحت عنوان «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران» با استفاده از پرسشنامه در مورد ۱۱۲۰ نفر از اعضای شش قوم آذری، بلوچ، عرب، فارس، کرد و لر انجام

گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از نگرش مثبت یا نسبتاً مثبت به دموکراسی است. علاوه بر این نتایج حاصل بیانگر تأثیر مثبت و معنادار هویت جمعی بر نگرش به دموکراسی است (به نقل از ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۷۲).

زلینا^۱ (۱۹۹۶)، میزان گرایش مردم به اندیشه‌های دموکراسی خواهانه را در جامعه مجارستان مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد هر چه تحصیلات فرد بالاتر باشد احتمال رأی دادن و مشارکت وی بیشتر است (زلینا، ۱۹۹۶: ۴۴۷-۴۴۶).

اینگلههارت^۲ (۲۰۰۶)، به مطالعه رابطه بین دموکراسی و خوشبختی پرداخت. اینگلههارت نشان داد که ضریب همبستگی بین دموکراسی و احساس خوشبختی به مرور زمان تغییر کرده است و هر چه به سمت سال‌های اخیر که فرایند دموکراتیزه شدن قوت می‌گیرد می‌رسیم، تقریباً این همبستگی کمتر شده است. کیربیش^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک در اروپای غربی و شرقی و کشورهای یوگسلاوی»، بر این اساس اینگلههارت استدلال می‌کند که مردم در کشورهایی که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی توسعه یافته‌ترند از نظر سیاسی فعال‌ترند و افرادی که گرایش‌های غیر دموکراتیک دارند از نظر سیاسی و اقتصادی کمتر فعالند.

شلهوت و آس^۴ (۲۰۱۲)، در پژوهشی به بررسی نوع رویکردها، میزان آگاهی سیاسی و ارزش‌های سیاسی ۱۷۵۳ نفر نوجوان اسرائیلی و فلسطینی می‌پردازد که سنین بیشتری داشته‌اند در مسایل سیاسی آگاه‌تر و فعال‌تر بوده‌اند و فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را از همتایان یهودی خود بیشتر درونی کرده‌اند، علاوه بر این یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد نوجوانانی که فرهنگ سیاسی مذهبی‌تری داشته‌اند از آگاهی و مشارکت سیاسی بیشتری برخوردارند این محققان اثبات کرده‌اند که از طریق نقش بالقوه فرهنگ سیاسی در فعالیتهای سیاسی می‌توان نوع رویکردهای سیاسی نوجوانان را توضیح داد (به نقل از ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۷۲).

اهداف تحقیق

هدف کلی

- تعیین رابطه میزان جامعه‌پذیری سیاسی و عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد.

اهداف اختصاصی

- تعیین رابطه میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی

¹. Zelenyi

². Inglehart

³. Kybrich

⁴. Shalhout & Asch

- تعیین رابطه میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی
- تعیین رابطه میزان قوم‌گرایی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی
- تعیین رابطه میزان اعتماد سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی
- تعیین رابطه میزان انسجام سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی.

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بومی دانشگاه‌های مهاباد و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان قوم‌گرایی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- بین میزان انسجام سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی

- جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی ناظر بر فرایندی است که افراد از طریق آن نگرش‌ها و احساساتی در قبال نظام سیاسی و نقش‌هایی که در آن دارند کسب می‌کنند (کلمن، ۱۹۶۵: ۱۸). برای اندازه‌گیری جامعه‌پذیری سیاسی از عوامل اجتماعی مرتبط با آن هم چون مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، قوم‌گرایی، اعتماد سیاسی و انسجام سیاسی از گویه‌های محقق ساخته استفاده شده است.

- مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: مشارکت سیاسی فعالیت‌های شهروندان آزاد که هدف آن تاثیرگذاری بر انتخاب کارمندان و مدیران حکومتی و نیز ختم‌شده‌های است که آن‌ها انتخاب می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۶: ۲۵).

- آگاهی سیاسی

تعریف مفهومی آگاهی سیاسی: آگاهی سیاسی در برگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌های یک فرد مربوط به امر سیاسی است که فرد با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در حوزه سیاست پی می‌برد (دورژه، ۱۳۸۲: ۸۵).

- اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی سطح و میزان اعتمادیست که شهروندان به نهادهای تصمیم‌گیری و مدیران سیاسی حکومت دارند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

- قوم‌گرایی

قوم‌گرایی نوعی شناخت از خود و تمایز بین دیگران و فرهنگ خود را بهتر از دیگران دانستن است (قادری، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

- انسجام سیاسی

انسجام سیاسی ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران و گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های سیاسی تمایز یافته است (افروغ، ۱۳۸۸: ۱۴).

ابزار و روش

تحقیق مورد نظر از لحاظ هدف کاربردی است و از نظر روش پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد. جهت برآورد حجم نمونه از جامعه فوق با توجه به در دسترس بودن چارچوب نمونه‌برداری از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس حجم نمونه برابر با ۳۵۴ نفر برآورد گردیده شد. برای انتخاب نمونه آماری از جامعه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون، در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان بومی دانشگاه‌های سطح شهرستان مهاباد از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول شماره (۱): پایایی ابزار اندازه‌گیری

ابعاد	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ استاندارد	تعداد آیتم‌ها
مشارکت سیاسی	۰/۷۳۲	۰/۷۳۰	۴
آگاهی سیاسی	۰/۷۴۴	۰/۷۴۱	۵
قوم‌گرایی	۰/۷۸۹	۰/۷۳۹	۴
اعتماد سیاسی	۰/۷۶۸	۰/۷۴۵	۴
انسجام سیاسی	۰/۷۰۹	۰/۷۰۶	۴
گرایش به دموکراسی	۰/۸۱۰	۰/۸۱۱	۸
کل پرسشنامه	۰/۸۹۲	۰/۸۹۰	۲۹

یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر از بین کل نمونه آماری؛ تعداد ۱۹۲ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۵ درصد) پسر و ۱۵۸ نفر (معادل ۴۵ درصد پاسخگویان) دختر می‌باشند. بر اساس اطلاعات به دست آمده

که از بین دو گزینه موجود برای جنسیت بیشترین تکرار مربوط به گزینه پسر با ۵۵ درصد می‌باشد. از بین کل نمونه آماری؛ تعداد ۲۸۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۸۱ درصد) مجرد و ۶۶ نفر (معادل ۱۹ درصد) پاسخگویان) متأهل می‌باشند. همچنین تعداد ۲۶۳ نفر از پاسخگویان (معادل ۷۵/۱ درصد) در دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد، تعداد ۷۱ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۰/۳ درصد) در دانشگاه پیام نور مهاباد و ۱۶ نفر (معادل ۴/۶ درصد) دانشجوین) در دانشگاه غیر انتفاعی میعاد مهاباد مشغول به تحصیل می‌باشند. در مطالعه حاضر از بین کل نمونه آماری؛ تعداد ۲۰۲ نفر از پاسخگویان (معادل ۵۷/۷ درصد) در گروه تحصیلی علوم انسانی، تعداد ۹۴ نفر از پاسخگویان (معادل ۲۶/۹ درصد) در گروه علوم پایه و ۵۴ نفر (معادل ۱۵/۴ درصد) دانشجوین) در گروه فنی مهندسی در شهرستان مهاباد مشغول به تحصیل می‌باشند.

گرایش به دموکراسی متغیر ملاک (وابسته) تحقیق است. طبق جدول شماره (۲) میانگین گرایش به دموکراسی به دست آمده از مجموع گویه‌ها ۳۰/۹۸ می‌باشد و نظر به این که میانگین امتیازات حداقل ۸ و حداکثر ۴۰، نمره ۲۴ می‌باشد، گرایش به دموکراسی در سطح متوسط به بالا می‌باشد.

جدول شماره (۲): بررسی آماره‌های میزان گرایش به دموکراسی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۳۰/۹۸	۳۳/۹۹	۵/۸۳	-۰/۷۲۶	۰/۱۹۵	۱۰	۴۰

میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بومی در سطح بالاتر از متوسط می‌باشد، با توجه به یافته‌های تحقیق طبق جدول شماره (۳)، میانگین ۷۰/۸۸ می‌باشد. با توجه به این که مجموع امتیازات حداقل ۲۱ و حداکثر ۱۰۵، نمره ۶۳ می‌باشد میزان جامعه‌پذیری در سطح متوسط به بالا می‌باشد.

جدول شماره (۳): بررسی آماره‌های میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۷۰/۸۸	۱۱۰/۸	۱۰/۵۳	-۰/۲۷۴	۱/۳۱۳	۳۱	۱۰۲

طبق جدول شماره (۴) میزان مشارکت سیاسی دانشجویان بومی از مجموع گویه‌ها ۱۳/۰۶ به دست آمده است و نظر به این که میانگین امتیازات، نمره‌های ۴ تا ۲۰ و امتیاز اخذ شده ۱۲ می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان در حد متوسط به بالا گزارش می‌شود.

جدول شماره (۴): بررسی آماره‌های میزان مشارکت سیاسی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۱۳/۰۶	۱۱/۲۰۵	۳/۳۵	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۴	۲۰

طبق جدول شماره (۵) میزان آگاهی سیاسی از ۵ گویه که در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شد، میانگین گویه‌ها ۱۷/۷۶ به دست آمد. پس نتیجه برآورد از حداقل ۵ و حداکثر ۶ نمره ۱۵ می‌باشد، در نتیجه آگاهی سیاسی در حد متوسط به بالا است.

جدول شماره (۵): بررسی آماره‌های میزان آگاهی سیاسی دانشجویان

میانگین	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۱۷/۷۶	۴/۴۵۷	-۰/۵۷۹	-۰/۲۰۲	۶	۲۵

طبق جدول شماره (۶) میزان اعتماد سیاسی با میانگین ۱۲/۱۰ از حداقل امتیاز ۴ و حداکثر ۲۰ نمره ۱۲ می‌باشد که در حد متوسط به بالاست. انسجام سیاسی با میانگین ۱۳/۰۸ از حداقل امتیاز ۴ و حداکثر ۲۰ نمره ۱۲ می‌باشد که در حد متوسط به بالاست.

جدول شماره (۶): بررسی آماره‌های میزان اعتماد سیاسی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۱۲/۱۰	۹/۵۷۷	۳/۰۹۵	۰/۰۵۱	-۰/۰۳۰	۴	۲۰

طبق جدول شماره (۷) میانگین قوم‌گرایی به دست آمده از مجموع گویه‌ها ۱۴/۸۸ می‌باشد و نظر به این که میانگین اعداد نمره‌های ۴ تا ۲۰ که نمره ۱۲ می‌باشد، پس نتیجه برآورد میانگین پاسخگویان از متوسط نمره‌ها بیشتر است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان قوم‌گرایی دانشجویان در حد متوسط به بالا می‌باشد.

جدول شماره (۷): بررسی آماره‌های میزان قوم‌گرایی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۱۴/۸۸	۹/۸۰۴	۳/۱۳	-۰/۷۹۴	۱/۱۶۰	۴	۲۰

طبق جدول شماره (۸) میانگین انسجام سیاسی به دست آمده از مجموع گویه‌ها ۱۳/۰۸ می‌باشد و نظر به این که میانگین اعداد نمره‌های ۴ تا ۲۰ که نمره ۱۲ می‌باشد، پس نتیجه برآورد میانگین پاسخگویان از متوسط نمره‌ها کمی بیشتر است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان انسجام سیاسی دانشجویان در حد متوسط و کمی بالاتر از متوسط می‌باشد.

جدول شماره (۸): بررسی آماره‌های میزان انسجام سیاسی دانشجویان

میانگین	واریانس	انحراف معیار	میزان کجی	میزان کشیدگی	مینیم	ماکزیم
۱۳/۰۸	۴/۱۱۲	۲/۰۳	۰/۷۵۹	۱/۸۱۶	۸	۲۰

- بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بومی دانشگاه‌های مهاباد و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

برای بررسی ارتباط بین جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد و میزان گرایش به دموکراسی آن‌ها از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۹): تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیونی متغیر پیش‌بین (مستقل) با متغیر ملاک (وابسته)

خطای استاندارد	ضریب تعیین تعدیل شده	R ²	R
۴/۷۱	۰/۳۴۶	۰/۳۴۸	۰/۵۹۰
سطح معنی‌داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات
۰/۰۰۰	۰/۹۹	۱۸۵/۹۳	۴۱۳۱/۰۴
نتیجه آزمون:			درجه آزادی
رد فرض H ₀			۳۴۸
			مجموع مجذورات
			۷۷۳۱/۸۹
			متغیر تغییرات
			۱
			مجموع مجذورات
			۴۱۳۱/۰۴
			رگرسیون
			۱۱۸۶۲/۹۳
			کل

چنان چه در جدول شماره (۹) ملاحظه می‌گردد که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار می‌باشد. این بدین معنی است که مدل انتخاب شده معنی‌دار است، پس فرض H₀ رد و فرض H₁ تأیید می‌گردد و با توجه به ضریب تعیین R² که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل ۰/۳۴۸ می‌باشد، می‌توان بیان نمود که ۳۴/۸ درصد تغییرات گرایش به دموکراسی دانشجویان بومی دانشگاه‌های مهاباد توسط تغییرات در متغیر پیش‌بین (مستقل) «جامعه‌پذیری سیاسی» تبیین می‌گردد.

جدول شماره (۱۰): مربوط به آزمون t و ضرایب پارامتر در مدل رگرسیون

مدل رگرسیونی	ضرایب قبل از استاندارد شدن		ضرایب بعد از استاندارد شده	
	ضرایب رگرسیونی β	خطای معیار	وزن β ها	آزمون t
مقدار عرض از مبدأ (B ₀)	۷/۸۲۴	۱/۷۱۷		۴/۵۵۶
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۳۲۷	۰/۰۲۴	۰/۵۹۰	۱۳/۶۳۶
				سطح معناداری (p-value)
				۰/۰۰۰

باتوجه به یافته‌های جدول شماره (۱۰) شاهد رابطه معنی‌دار بین متغیر جامعه‌پذیری سیاسی و گرایش به دموکراسی هستیم ($P < ۰/۰۵$). در مدل رگرسیونی بالا؛ X_1 متغیر جامعه‌پذیری سیاسی و Y متغیر گرایش به دموکراسی می‌باشد و می‌توان بیان نمود که یک انحراف استاندارد افزایش در مؤلفه جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان باعث ۰/۵۹۰ انحراف استاندارد افزایش در گرایش به دموکراسی آن‌ها می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

- بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۱): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان مشارکت سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی

گرایش به دموکراسی		
۰/۴۰۹	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	مشارکت سیاسی
۳۵۰	تعداد	

$R=0/409$ و $R^2=167\%$

باتوجه به نتایج جدول شماره (۱۱) مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۴۰۹ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است و بیانگر این است که میزان مشارکت سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. لذا بر این اساس فرض صفر رد می‌شود و فرض یک تأیید می‌گردد. یعنی هر اندازه میزان مشارکت سیاسی دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان نیز گرایش به دموکراسی آنان بیشتر خواهد شد و بالعکس.

- بین میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آنها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۲): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان آگاهی و میزان گرایش به دموکراسی

گرایش به دموکراسی		
۰/۵۸۵	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	آگاهی سیاسی
۳۵۰	تعداد	

$R=0/585$ و $R^2=342\%$

با توجه به نتایج جدول شماره (۱۲) مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۵۸۵ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است و بیانگر این است که میزان آگاهی سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. لذا بر این اساس فرض صفر رد می‌شود و فرض یک تأیید می‌گردد. یعنی هر اندازه میزان آگاهی سیاسی دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان نیز گرایش به دموکراسی آنان بیشتر خواهد شد و بالعکس.

- بین میزان قوم‌گرایی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۳): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان قوم‌گرایی و میزان گرایش به دموکراسی

گرایش به دموکراسی		
۰/۵۵۸	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	قوم‌گرایی
۳۵۰	تعداد	

$R=0/558$ و $R^2=312\%$

با توجه به نتایج جدول شماره (۱۳) مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۵۵۸ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است و بیانگر این است که میزان قوم‌گرایی با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. لذا بر این اساس فرض صفر رد می‌شود و فرض یک تأیید می‌گردد. یعنی هر اندازه میزان قوم‌گرایی دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان نیز گرایش به دموکراسی آنان بیشتر خواهد شد و بالعکس.

- بین میزان اعتماد سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۴): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان اعتماد سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی

گرایش به دموکراسی	
r=-۰/۰۸۴	
sig=۰/۱۱۶	اعتماد سیاسی
n=۳۵۰	
R=-۰/۰۸۴ و R ² =۰/۷٪	

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جدول شماره (۱۴) می‌توان چنین استنباط کرد که چون مقدار پیرسون برابر با ۰/۰۸۴ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر با ۰/۱۱۶ می‌باشد و این عدد از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است بر این اساس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان اعتماد سیاسی با میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد هیچ رابطه‌ای ندارد، لذا بر این اساس فرض صفر تأیید می‌شود و فرض یک رد می‌گردد.

- بین میزان انسجام سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۵): نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین میزان انسجام سیاسی و میزان گرایش به دموکراسی

گرایش به دموکراسی	
۰/۳۶۹	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۳۵۰	تعداد
R=۰/۳۶۹ و R ² =۱۳/۶٪	

با توجه به نتایج جدول شماره (۱۵) مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۳۶۹ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است و بیانگر این است که میزان اعتقاد به انسجام سیاسی بامیزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان بومی دانشگاه‌های شهرستان مهاباد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. لذا بر این اساس فرض صفر رد می‌شود و فرض یک تأیید می‌گردد. یعنی هر اندازه میزان اعتقاد به انسجام سیاسی دانشجویان بیشتر باشد به همان میزان نیز گرایش به دموکراسی آنان بیشتر خواهد شد و بالعکس.

بحث و نتیجه‌گیری

به هر میزان تکثرگرایی در بافت نظام‌های سیاسی و اجتماعی رشد عقلایی و نهادمند داشته باشد، تداوم منسجمانه یک جامعه بیشتر است و گرایش به عمل و اندیشه حول مقوله مشارکت و دموکراسی بیشتر می‌شود. مشارکت سیاسی از خصلت دوگانه فردی و کلان برخوردار است یعنی هم نظام‌های سیاسی به آن اهمیت کارکردی می‌دهد و هم گروه‌های اجتماعی و افراد به مثابه یک کنش عقلایی به امر مشارکت نگاه می‌کنند. پس مشارکت سیاسی به نوعی مرکز ثقل جامعه‌پذیری سیاسی است و میزان میل و گرایش به حضور، گسترش و تقویت دموکراسی را تحکیم می‌بخشد که با تحقیق فاضلی و کلانتری و قوام همسو می‌باشد. بین میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه مستقیم و معناداری مشاهده شد. آگاهی سیاسی به علت این که زمینه‌های خود ابرازی را فرد را تقویت می‌کند و درک عقلایی از مشارکت را در فرد سبب می‌شود و نسبت به آینده احساس مسئولیت را فزونی می‌بخشد. در نتیجه گرایش به مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد و میل به مشارکت به صورت عملی در گرایش به دموکراسی متجلی می‌گردد. نتایج این فرضیه با تحقیق آذین، جهانشاهی و عبدالهی همسو می‌باشد. بین میزان قوم‌گرایی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود داشت. پس می‌توان استدلال کرد برای این که منازعات رادیکال هویت‌خواهی در جوامع چند فرهنگی شکل نگیرد و زمینه‌های گسیختگی اجتماعی سیاسی را ایجاد نماید، باید شرایط فعال شدن شکاف‌های هویت‌خواهی قومی از نظرگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تا حدود زیادی کمرنگ نمود و به جای ایجاد یکسان‌سازی هویتی با استراتژی‌های گوناگون از ایده‌های انسجام، مشارکت و تماس استفاده کرد تا بسترهای اجتماعی و سیاسی همگرایی به مثابه یک انتخاب عقلایی شکل بگیرد. پس می‌توان گفت هویت‌های قومی به علت خصلت‌های پویا و چند بعدی‌ای که دارند حفظ نموده‌های ارزشی و فرهنگی به مثابه یک امر بهینه ساخت‌مند اجتماعی همیشه مورد توجه بوده است و دارای ظرفیت‌های گرایش به دموکراسی بوده است. لازم به ذکر است این میل وقتی بیشتر تقویت می‌گردد که بسترهای مشارکت و خودابرازی هویتی در فضای نهادمند امر اجتماعی و سیاسی مهیا شده باشد. بین میزان اعتماد سیاسی دانشجویان و میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود ندارد. افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر مردم و گروه‌های اجتماعی در حوزه امر سیاسی می‌شود. اعتماد سیاسی موجب افزایش کیفیت‌های حمایتی مردم از ساختارهای سیاسی می‌گردد. همان‌طور که شایگان می‌نویسد: کاهش اعتماد سیاسی، موجب عدم حمایت مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و کاهش مشارکت سیاسی عقلایی و فعالانه می‌شود و در نهایت میزان مشروعیت اجتماعی نظام سیاسی کاهش می‌یابد. پس می‌توان استدلال کرد به هر میزان اعتماد سیاسی به عنوان یکی از ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی از کیفیت بالایی برخوردار باشد به همان میزان میل به مشارکت افزایش می‌یابد و در نتیجه گرایش به دموکراسی را بیشتر تقویت می‌کند، نتایج آزمون این فرضیه با مطالعات گذشته همسو نبود. بین میزان انسجام سیاسی دانشجویان و

میزان گرایش آن‌ها به دموکراسی رابطه وجود دارد. از دیدگاه نظریه‌پردازان ساختی - کارکردی انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی است و ایجاد گسترش زمینه‌های وفاق و همبستگی اجتماعی ضامن ثبات سازمان اجتماعی قلمداد می‌شود. انسجام در کل ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران و گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است. به این ترتیب بین مقوله انسجام و همبستگی اجتماعی با مشارکت و اعتماد سیاسی همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد. این مقوله در جوامع چندقومی و متکثر واجد اهمیت بیشتری هم هست، چرا که زمینه‌های ثبات را فراهم می‌کند. نتایج این فرضیه با تحقیق شلهوت و اش همسو می‌باشد.

پیشنادهای کاربردی

با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق پیشنهاد می‌شود که نهادهای مهم تصمیم‌ساز در جهت جلب مشارکت عمومی اقلیت‌های قومی در پروسه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی نقش مهم و فعالی در این امر جهت توسعه همه جانبه کشور داشته باشند. همچنین نهادهای آموزشی و دانشگاهی می‌توانند در راستای توسعه امر آموزش عمومی و بهبود ارائه خدمات آموزشی به اقلیت‌های قومی از نتایج این تحقیق و پژوهش‌های مشابه استفاده نمایند. این جنبه کاربردی و کارکردی که توسط نهادهای مذکور انجام می‌شود زمینه افزایش مشارکت نخبگان اقلیت‌ها را در افزایش کیفیت آموزش عمومی و به صورت کلی بهبود ساختار آموزشی کشور در همه ابعاد را موجب می‌شود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۳). **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه: محمد، فتاحی و احمد، گل‌محمدی. تهران: نشر نی. چاپ دهم.
- آذین، محمد؛ و جهانشاهی، رضا. (۱۳۸۸). نقش رادیو و تلویزیون در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان. **فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره نهم، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- الهدادی، نورالدین؛ سعادت‌مهر، مسعود. (۱۳۸۹). رابطه عوامل اجتماعی فرهنگی و باورپذیری مردم‌سالاری. **فصلنامه رفاه اجتماعی**. شماره ۳۷، صص ۲۴۰-۲۱۰.
- امام‌جمعه، سیدجواد؛ و رهبرقاضی، محمدرضا. (۱۳۹۲). سنجش رابطه فرهنگی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. **نشریه زن در توسعه و سیاست**. شماره ۱۱، صص ۱۳۴-۱۱۹.
- اینگلهارت، رونالد. (۲۰۰۶). **تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی**. ترجمه: مریم، وتر. تهران: نشر کویر. چاپ اول.
- استونر، راب. (۱۳۷۹). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**. ترجمه: مهرداد، میردامادی. تهران: انتشارات نی. چاپ اول.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: نشر کیهان. چاپ اول.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۶). **آموزش دانش سیاسی**. تهران: نگاه معاصر، چاپ هفتم.
- بخارایی، احمد. (۱۳۸۱). **دموکراسی و دشمنانش در ایران**. تهران: نشر گام نو.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). **درس‌های دموکراسی برای همه**. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۹). **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم**. تهران: نشر نی.

- پوپر، کارل. (۱۳۸۴). **جامعه‌بازو دشمنان آن**. ترجمه: عزت‌الله، فولادوند. تهران: نشر خوارزمی. چاپ سوم، پین، مایکل. (۱۳۸۳). **فرهنگ اندیشه انتقادی**. ترجمه: پیام، یزدانجو. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.
- چلیکوت، رونالد. (۱۳۷۸). **نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای**. ترجمه: علیرضا، طیب. تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ دوم.
- حسینی بهشتی، علیرضا. (۱۳۸۰). **بنیاد نظری سیاست در جوانع چندفرهنگی**. تهران: نشر بقعه. چاپ اول.
- دال، رابرت. (۱۳۸۹). **درباره دموکراسی**. ترجمه: فیروز، سالاریان. تهران: نشر چشمه.
- دورژه، موریس. (۱۳۸۲). **اصول علم سیاست**. ترجمه: ابوالفضل، قاضی. تهران: نشر میزان. چاپ سوم.
- ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر جایگاه افراد در فضای اجتماعی بر روی گرایش آنان به ارزشهای دموکراسی. **فصلنامه پژوهش اجتماعی**. دوره دوم، شماره پنجم، صص ۲۰۱-۱۷۲.
- ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). **رابطه انواع دین‌داری با نگرش بر ارزش‌های دموکراتیک در بین دانشجویان**. رساله دکتری جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- راش، مایکل. (۱۳۸۸). **جامعه و سیاست**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر سمت. چاپ هشتم.
- ریتز، جرج. (۱۳۷۴). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۷۵). **بنیادهای علم سیاست**. تهران: نشر نی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۵). هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. شماره چهارم، صص ۳۷-۳.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**. تهران: نشر روان.
- فاضلی، محمد؛ کلاتری، میترا. (۱۳۹۱). ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. دوره سیزدهم، شماره اول و دوم، صص ۱۰۸-۸۴.
- کاظم‌زاده، حسن. (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز. **پایان‌نامه ارشد دانشگاه شیراز**. دانشکده علوم اجتماعی.
- موحدی، مجید. (۱۳۸۸). دین‌داری سنتی و نگرش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی**. دوره اول، شماره سوم، صص ۱۴۳-۱۱۷.
- مهرداد، هرمز. (۱۳۷۶). **جامعه‌پذیری سیاسی**. تهران: انتشارات پازنگ. چاپ اول.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۳). **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران**. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). **تعلیم و تربیت در اسلام**. تهران: نشر صدرا. چاپ سی‌ام.
- هلد، دیوید. (۱۳۷۸). **مدل‌های دموکراسی**. ترجمه: عباس، مخبر. تهران: نشر مطالعات زنان.
- Colman, j. (1965). **Education and the political Development**. Princeton university press.
- Verba, S., Nie, N. (1979). **Participation In America: Political democracy & social equality**. New York.
- Harper & Row Kymlicka, W. (1989) **Liberalism community and culture**. Oxford: clarendon press.
- Zelenyi, S., posterm, w. (1996). **Interstes and symbols in post communist political cltures the case of hangar**. pricetion university.